

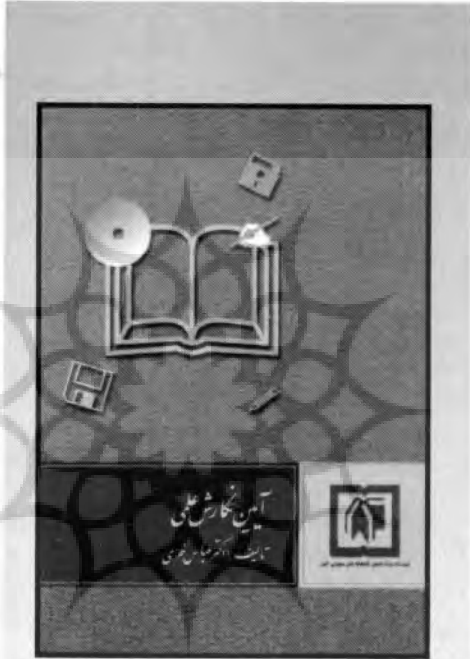


آیین نگارش علمی

نداشتن انگیزه نوشتن، یک مشکل اجتماعی

○ مهندس علی کافی

موجود کلی و اجمالی است و البته به درستی به درج مطالبی پرداخته‌اند که واقعاً مشکل جامعه ماست. اما مسئله اصلی ما در این مقاله این است که فرض می‌کنیم مطلب برای نوشتن وجود دارد و انگیزه نوشتن نیز هست اما توان نوشتن نیست. به توان نوشتن هم نه از دیدگاه‌های اجتماعی بلکه از جهت فنی می‌نگریم. مخاطبان کتاب آیین نگارش علمی تالیف دکتر عباس حری همین‌اند؛ یعنی آنان که مطلب برای نوشتن دارند؛ انگیزه نوشتن هم دارند؛ اما نمی‌دانند که چگونه بنویسند یا دست کم چگونه بهتر بنویسند. با نگاه به عنوان کتاب، مخاطب تردید می‌کند که منظور از صفت علمی چیست و غرض نویسنده روشن نمی‌شود. این ابهام تا صفحه ۱۷۴ کتاب که نویسنده غرض خود را صریح اعلام می‌کند ادامه می‌یابد. نویسنده غرض از نوشته علمی را هر نوع نوشته منضبطی می‌داند که الگوها و هنجارهای مربوط به مقوله خود را رعایت کرده و چارچوب تعریف شده ویژه‌ای را پذیرفته باشد. بنابراین، منظور «آیین نگارش علمی» است. اگر آیین نگارش را یک اصطلاح مرکب در نظر بگیریم، علمی صفت کل آن است. به هر حال مراد نویسنده این نیست که مخاطب کتاب تنها کسانی هستند که بخواهند مطلبی در باب مبحثی از علم (Science) بنویسند. مخاطب کتاب می‌تواند درباره یک موضوع هنری هم مقاله، گزارش، کتاب و جز آن بنویسد و از این کتاب بهره‌ها ببرد. هر چند در برخی از کتابهای نظیر حتی گونه‌های فرنگی آن، چند معنی به روش تحقیق، ضرورت‌های نگارش و حدود و ثغور این کار عنایتی شده است، به نظر می‌رسد مخاطب این کتاب نیازی به خواندن «فصل ۱: مقدمه» و «فصل ۲: گزینش موضوع» نداشته باشد. چون او وقتی سراغ این کتاب می‌آید بنا به میل یا بنا به جبر می‌خواهد مطلبی بنگارد. بنابراین، ضرورتی نیست او را توجیه کنیم که نگارش چه فوایدی دارد یا این که چه موضوعی را بهتر است انتخاب کند. این دو فصل تنها به درد درسی دانشگاهی یا محیطی می‌خورد که افراد باید توجیه شوند که چیز بنویسند. چند مطلب در فصل ۲ از جمله بحث درباره محدودیت مخاطبان، محدودیت زمان، عنوان، سرفصلها خواندنی و سودمند است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کنند. طرفه اینکه اصلاً در دانشگاه‌های ایران کمتر این درس عرضه می‌شود. این درس در سالیان اخیر در هیچ رشته فنی و مهندسی تدریس نشده یا به ندرت تدریس شده است. انگیزه نوشتن بسیار کم است. یک فارغ‌التحصیل دوره دکتری در ایران ظاهراً فقط دوبار مجبور به نوشتن بوده است و خواهد بود: دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری. همین امر است که سبب شده است نوشتگان (literature) ما در زمینه نگارش، شاید کمتر از ده مورد باشد که در مقایسه با نوشتگان زبانهای دیگر مثلاً انگلیسی یعنی بیش از صدها مورد بسیار اندک است. در نوشتگان فارسی تنوع موضوع در این باب نیز قلیل است به زبان انگلیسی مثلاً می‌توان در باب نوشتن گزارشی پژوهشی در زمینه زیست‌شناسی به سادگی به چند مرجع دست یافت. حال آنکه در زبان فارسی کتابهای

- آیین نگارش علمی
- دکتر عباس حری
- دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور
- تهران، ۱۳۷۸، ۳۰۰۰ نسخه

جامعه ما بسیار کم می‌نویسد. سبب آن چند چیز است، از جمله: مطلب چندانی برای نوشتن ندارد؛ انگیزه نوشتن ندارد؛ و نمی‌تواند بنویسد. این که «مطلب چندانی برای نوشتن ندارد» سبب اصلی کم نویسی است. جامعه‌ای که در آن پژوهش، مطالعه، بررسی، مشاهده و جز آن کم و قلیل باشد اطلاعی حاصل نمی‌کند که محتاج به انتقال آن از راه نوشتن باشد. اما اینکه «انگیزه نوشتن ندارد»، دیگر مشکل اجتماعی ماست. گویی ما جوهر و فلسفه اصلی خط و کتابت و زبان نوشتاری را فراموش کرده‌ایم؛ گونه‌ای از زبان که به ما امکان می‌دهد اطلاعات و مطالب مان را به آنان که در حوزه مکانی و زمانی گفتارمان قرار نمی‌گیرند منتقل کنیم. ظاهراً کسی مایل و طالب این اطلاعات هم نیست. در کمتر سازمان و موسسه تحقیقاتی و مطالعاتی است که گزارشی از پژوهشها و مطالعات صورت گرفته نوشته شود. نظام گزارش نویسی در این سازمانها وجود ندارد. بسیار دیده شده است که وسیله یا دستگاهی نسبتاً پیچیده ساخته شده است و در کنار آن حتی نوشته‌ای کوتاه شامل طرز استفاده آن وجود ندارد، چه برسد به گزارشهای مفصل فنی چند صد تا چند هزار صفحه‌ای که قاعدتاً باید همراه آن باشد. همچنین شاهد بوده‌ایم که پژوهشهای مفصلی در باب یک مطلب علمی صورت گرفته است که حتی جمله‌ای در جایی و در آن باره ثبت نشده است. به این ترتیب، پس از خارج شدن هر پژوهشگر از موسسه مطبوع خود همه آنچه که او یافته است از میان می‌رود و تنها در سینه او باقی می‌ماند. سالها پیش، از هزاران پژوهشگر شرکت آمریکایی بل لب (Bell lab.) خواسته شده بود اعلام کنند کدام درس غیرتخصصی دانشگاهی‌شان بیش از همه به کارشان می‌آید. جملگی درس گزارش نویسی فنی (Technical Writing) را یکی از آنها دانستند. در آنجا همه مکلف‌اند فعالیت‌های علمی و پژوهشی و حتی اداری خود را مرتب گزارش

نویسنده غرض از نوشته علمی را هر نوع نوشته منضبطی می داند که الگوها و هنجارهای مربوط به مقوله خود را رعایت کرده و چارچوب تعریف شده ویژه‌ای را پذیرفته باشد

فصل ۳ کتاب بسیار سودمند است و برای هر نوشته‌ای رعایت مطالب آن لازم. حقیقتاً تهیه طرح کلی (Outline) یا به تعبیر نویسنده محترم «طرح یا رئوس مطالب» اصلی‌ترین و مقدماتی‌ترین کار نگارش است و انسجام نوشته و حتی نظم ذهن نگارنده را تضمین می‌کند. در فصل ۴ از انواع منابع سخن رفته است که البته اگر بحث پایگاههای اطلاعاتی آن مشروحتر بود مطلب کاملتر می‌شد. امروزه عمده کارهای پژوهشی براساس جستجو در پایگاههای اطلاعاتی و خاصه اینترنت استوار است. هم این فصل و هم فصل ۵ ناظر بر کار «گردآوری اطلاعات» (data collection) است و روشهایی برای این کار برشمرده است که در بسیاری از موارد کاربرد دارد و البته گاه این روشها جدیدتر شده است و در برخی از موارد روشها آن قدر شخصی می‌شود که نمی‌توان از این روشهای کلی استفاده کرد. آخرین بخش فصل ۵ چندان به موضوعات دیگر این فصل مربوط نیست. بهتر بود این مطلب یعنی «تهیه کردن طرح» در فصلی مستقل می‌آمد یا دست کم به اول فصل ۶ منتقل می‌شد.

«تهیه دست نوشته مقدماتی» معمولاً دشوارترین کار است، غالب کسانی که نتوانسته‌اند چیزی بنویسند در همین مرحله است که به اصطلاح دستشان به قلم نرفته است. متخصصان آیین نگارش همواره توصیه می‌کنند بعد از گردآوری اطلاعات و تهیه طرح کلی تنها کاری که می‌ماند این است که قلم را بردارید و بنویسید (یا ماشین را روشن کنید و تایپ کنید). این کار را هم فارغ از دغدغه‌های زبانی مانند صحیح بودن جملات و کلمات و بندها و جز آن انجام دهید. فقط بکوشید جوهر اطلاعات را منتقل کنید. وقت برای ویرایش هست. غالباً وسوسه‌های ویرایشی و رعایت نکات دیگر برای آنان که چندان با نوشتن مانوس نیستند اختلال در انسجام مطلب پیش می‌آورد که گاه به متوقف کردن نگارش منجر می‌شود که بسیار خطرناک است. خوب بود که مولف محترم براین موضوع تأکید بسیار می‌گذاشت و مطالب بسیار جالبی را که در همین فصل در باب پاراگراف و ساختار آن آورده است به فصلهای دیگری که عمدتاً در باب ویرایش است موکول می‌کرد.

دو فصل ۷ و ۸ که در باب پانویس و فهرست مآخذ است، اطلاعات جامعی در مورد ثبت مراجع و مآخذ در اختیار می‌گذارد که به نظر هنوز مشکلی حل نشده، چه در سطح ایران چه در سطح جهان، است؛ و روشهای مختلفی در این زمینه اجرا می‌شود.

فصل ۹ به نقطه‌گذاری یا علائم سجاوندی اختصاص یافته است. این فصل برای مخاطب میانگین خیلی خوب تنظیم شده است. بررسی این فصل نشان میدهد که

مولف محترم به خوبی با کاربرد امروزی علائم آشناست. شاهد این مدعا در یکی از کاربردهای ویرگول در صفحه ۹۹ آمده است: «برای جدا کردن سلسله‌ای از کلمات، عبارات، یا جملات هم سنگ مانند مردان، زنان و کودکان در میدان گرد آمده بودند». آنچه که نشان می‌دهد مولف با آخرین کاربردهای علائم سجاوندی آشناست ویرگول قبل «و» است که طی یکی دو دهه اخیر این سبک متداول شده است و کاملاً منطقی و بجاست و کمتر نویسنده و مترجم فارسی با آن آشناست. در کاربرد قلاب بهتر بود به قرار گرفتن مرجع در درون آن اشاره می‌شد. شایسته بود به جای ممیز در برابر slash معادل دیگری به کار می‌رفت. خط ذیل کلمات را حروفچینان به معنی سیاه (boldface) کلمه می‌دانند و نه ایرانیک یا کج. برای ایرانیک یا کج معمولاً از خط موجی استفاده می‌کنند و چند نکته ریز دیگر.

در فصل ۱۰ دستور خط یا رسم‌الخط آمده است که فصلی است ضروری برای نگارش در زبان فارسی. به این سبب که هنوز دستور خط در زبان فارسی معیار (standard) نشده است. دستورهای ۳۱ و ۳۲ ناظر به دستور خط نیست. بهتر بود این دستورها همراه دستورهای دیگری که می‌توان از آنها با عنوان «غلطهای پربسامد در زبان فارسی» نام برد در فصل یا فصلهای دیگری می‌آمد که از قضا وجود این فصلها بسیار لازم به نظر می‌رسد و امید می‌رود در چاپهای بعد اضافه شود.

فصل ۱۱ برای آنان که با سبک نوشته‌های علمی کمتر سرو کار دارند و ابزارهای سودمندی چون جدول و تصویر را در انتقال اطلاعات نمی‌شناسند بسیار سودمند است.

در فصل ۱۲ ملاحظاتی درباره ویرایش متن آمده است که اگر ساختار کتاب به گونه‌ای بود که ویرایش متن جدی‌تر تلقی می‌شود. می‌توانست بخشی از یک فصل درباره ویرایش محتوایی باشد کالبدشناسی یک نوشته علمی ذیل عنوان «جزای نوشته تحقیقی» در فصل ۱۳ آمده است.

در این فصل مطالبی درباره عنوان (باتوجه خاص به پایان نامه‌ها)، فهرست مطالب، فهرست تصاویر، پیشگفتار، مقدمه، متن، نتایج و پیشنهادهای خلاصه، فهرست مآخذ، پیوست‌ها، و واژه‌نامه آمده است. اگر از چکیده هم نام برده می‌شد تقریباً مطالب کامل بود. در ذیل بخش واژه‌نامه نوشته شده است که معمولاً ترتیب بهتر است برحسب اصطلاح خارجی و به ترتیب حروف الفبای آن مرتب شود. حال آنکه اگر قرار باشد فقط یک واژه‌نامه تهیه شود شایسته است ترتیب برحسب فارسی باشد، چون مخاطب مایل است بدانند تهیه‌کننده نوشته علمی واژه فارسی

مفروض را که در متن با آن مواجه می‌شود در برابر چه اصطلاح خارجی قرار داده است. برعکس آن بی‌معناست یا دست کم مصرف چندانی ندارد.

از فصل ۱۴ تا فصل آخر کتاب (فصل ۲۰) به انواع نوشته‌های علمی توجه شده است. مقاله مجله، مقاله دایرةالمعارفی، سخنرانی و پوستر، بررسی کتاب، و پیشنهاد پژوهش (proposal). نکات اصلی و مهم در باب هر یک از این انواع آمده است. خواننده چنانچه مایل باشد می‌تواند اطلاعات بیشتر را با استقاده از کتابهای پیشرفته‌تر به دست آورد یا به ضوابطی که مثلاً مجلات، ناشران، برگزارکنندگان سخنرانیها یا مراکز آموزشی و تحقیقاتی به صورت اختصاصی تهیه کرده‌اند و ویژه خود آنهاست مراجعه کند.

کتاب با دو فهرست یعنی فهرست مآخذ و فهرست راهنما (نمایه) پایان می‌یابد، کتاب آیین نگارش علمی به عنوان یک کتاب درسی در مجموع خوش چاپ تلقی می‌شود. چند نکته در باب شیوه چاپ و حروفچینی و صفحه‌آرایی در اینجا ذکر می‌شود. یکی دو صفحه از صفحات آغازین زائد به نظر می‌رسد مثل صفحه عنوان کتاب، بهتر بود در فهرست قبل از عنوان مطالب هر فصل شماره فصل می‌آمد شایسته بود پیشگفتار، با توجه به مطالب آن، قبل از فهرست می‌آمد. ضروری نبود که برای تمرین صفحه مستقل در نظر گرفته شود و خوب بود که تمرینها درست در ادامه مطلب پس از خلاصه می‌آمد. اگر فصلها خود بخش‌بندی می‌شد کار پاکیزه‌تر می‌شد. صفحه‌آرایی کتاب اشکال دارد و صفحه آرا نتوانسته است جایی که به تصویرها می‌رسد فضای سفید خالی را پرکند. (صفحه ۲۰، ۲۷، ۴۹ و ...) قلم متن خوب است؛ اما قلم عناوین یکسان و یکدست نیست. مقایسه کنید: ۱- کتابخانه، ۲- کتابشناسی ۳- مآخذ متون، و ۴- پایگاههای اطلاعاتی را در صفحات ۳۵، ۴۰، ۴۱. علامت پیکان در صفحه ۱۰۸ حکایت می‌کند که نرم‌افزار حروفچینی چندان قوی نبوده است.

در مجموع کتاب آئین نگارش علمی کتابی بسیار مفید است؛ زیرا مولفی صاحب نظر آن را نگاهشته است. دیگر این که در نوع خود به زبان فارسی کم است. سه دیگر اینکه در زبان فارسی آن قدر مطلب و نوشته در این موضوع نادر است که هر کتابی در این زمینه نگاشته شود از قدر و منزلت و سودمندی خاص خود برخوردار خواهد بود.

استفاده از این کتاب را به عنوان کتاب درسی یا کتاب مرجع به استادان درس آئین نگارش و به همه انانی که با نگارش علمی سرو کار دارند مانند پژوهشگران، مهندسان، پزشکان و دانشجویان توصیه می‌کنم.